



در این‌که با وجود گرمای زیاد تابستان این دیار و کم‌آبی و انواع زیاده‌ها و کم‌های دیگر، فصلی سرد را در وادی کسب‌وکار در پیش خواهیم داشت، بر کسی پوشیده نیست. صنعت و تجارت کشور بعد از یک دوره تحریم‌های شدید، نوعی از ثبات را در چند سال گذشته تجربه کرد که نمی‌توان آن را رونق کامل اقتصادی و صنعتی دانست، اما به دلیل ثبات نسبی قیمت‌ها و شرایط اقتصادی و امکان همکاری با تعدادی از بازیگران بین‌المللی عرصه‌های کسب‌وکار توانست نوعی از رشد را تجربه کند. اما با توجه به تحولات سیاسی به نظر می‌رسد که این دوره ثبات نسبی نیز به پایان خود نزدیک شده است.

با خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام، چنین به نظر می‌رسد، یک دوره دیگر تلاطم اقتصادی را در پیش خواهیم داشت. اگر شرایط سیاسی تغییری نکند، موج‌های اصلی این تلاطم به زودی به اقتصاد و صنعت ما و به ویژه صنعت آی‌تی که تا حدود زیادی چشم به خارج دارد، خواهد رسید. اگرچه پیش‌لرزه‌های آن از مدتی پیش با آشفتگی فضای ارزهای خارجی، خواب‌تجار و صنعتگران را هم آشفتگی کرده است. من اما در اینجا با سیاست خارجی و تصمیمات سیاستمداران چندان کاری ندارم و تنها به ذکر چند نکته برای شرکت‌ها و شاید متخصصان حوزه آی‌تی بسنده می‌کنم.

بپذیریم...

در ابتدای کار باید بپذیریم که به لحاظ کسب‌وکار در آستانه فصلی سرد قرار گرفته‌ایم و هم شرکت‌ها و هم افراد، باید کمربندها را نسبت به چند سال گذشته سفت‌تر ببندند؛ کمربندهایی که خود به دلیل تحریم‌های قبلی و سایر شرایط دشوار اقتصادی مانند کمبود سرمایه‌گذاری خارجی، وجود قوانین دست‌وپاگیر و گاه عجیب در اداره‌ها و گمرک‌ها، خودبه‌خود تا حد زیادی سفت بسته شده بودند. پذیرش این مسئله به معنای تایید آن یا ناامیدی در برابر آن نیست؛ بلکه به این معناست که ما در چشم‌انداز کاری خود مشکلی بزرگ داریم که در حد توانمان باید خود را برای مقابله با آن آماده کنیم. انکار این امر که ما با مشکلی روبه‌رو هستیم و تلقین این‌که همه چیز آرام است، ما را بعدتر با حقایق بسیار تلخ و گزنده‌ای مواجه خواهد کرد.

نومید نباید بود...

ناامید نباید بود، زیرا شرایط اقتصادی همیشه می‌تواند تغییر کند، کم‌این‌که هم در مورد کشور ما و هم کشورهای دیگر چنین شده است. دنیای سیاست از دیرباز شاهد شگفتی‌های زیادی بوده است. همان‌گونه که دور قبلی تحریم‌ها سرانجام به پایان رسید می‌توان امیدوار بود که این‌بار نیز با اتخاذ تدابیری از جانب مسئولان این بحران تازه نیز با کمترین خسارت از سر بگذرد.

چه باید کرد...

بدیهی است که مدیران شرکت‌ها، در چنین شرایطی تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کنند که متناسب با این شرایط بحرانی باشد. آن‌ها نباید گمان کنند که همه چیز از دست رفته و تمام چیزهایی که سالیان سال برایشان زحمت کشیده‌اند، بریادرفته و سیاست‌هایی را در پیش گیرند که زیان بیشتری به خود آن‌ها وارد کند. من گمان نمی‌کنم دچار نوعی سرخوشی ناشی از ندیدن ابعاد واقعیت شده باشم. تجربه کاری سی ساله سراسر فراز و فرود، به من می‌گوید سرانجام گردوغبار فرو می‌نشیند؛ هرچند گاه بسیار دردناک و گاه بسیار دیر. با این همه، تلاش می‌کنم به چند نمونه از کارهایی که مدیران شرکت‌ها می‌توانند حتی در شرایط دشوار کنونی انجام دهند، اشاره کنم.

- جست‌وجوی راه‌های تازه کسب درآمد:

شاید در گذشته به دلیل این‌که کسب‌وکار شرکت در روند عادی خود جریان داشت، چندان به پیدا کردن راه‌های تازه کسب درآمد نمی‌اندیشیدید. حالا اما وضعیت تغییر کرده است. وظیفه شما به‌عنوان مسئول شرکت این است که تمامی راه‌هایی را که ممکن است به کسب درآمد تازه منجر شود، بررسی کنید و شرکت را در مسیر کسب آن قرار دهید.

- پروژه‌های ناتمام و کاهش هزینه‌ها:

منظور من از کاهش هزینه‌ها لزوماً و در وهله اول اخراج نیروی انسانی نیست. اغلب شرکت‌ها پروژه‌هایی دارند که مدت‌هاست روی دست آن‌ها مانده است. از آنجا که در مواردی هزینه‌های زیادی برای این پروژه‌ها کرده‌اند، توان کنار گذاشتن آن‌ها را هم ندارند. این پروژه‌ها مانند یک خونریزی آرام اما مستمر منابع شرکت را هدر می‌دهند و از توان آن می‌کاهند. اکنون بهترین فرصت است که جرات کنید و به یکباره این پروژه‌ها را متوقف کنید تا هم از زیان بیشتر جلوگیری کنید و هم منابع آن‌ها را در اختیار بخش‌های مولد قرار دهید.

- خلاقیت، خلاقیت و بازهم خلاقیت:

تردیدی نیست که در شرایط عادی نیز خلاقیت می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات و معضلات باشد. اما در شرایط بحرانی که راه‌های عادی کسب درآمد اغلب بسته می‌شود و تعادل ورودی و خروجی شرکت به هم می‌خورد، خلاقیت می‌تواند همان طناب نجاتی باشد که مانع از فروافتادن ما در چاه شود. خوشبختانه در حوزه آی‌تی، نیروهای جوان و خوش‌فکر فراوانی حضور دارند. تنها کافی است که مدیران ارشد، راه‌های اصلی را نشان دهند و خلاقیت آن‌ها را به مسیرهای مورد نیاز هدایت کنند.

- آموزش:

شاید در چنین شرایطی حرف‌زدن از آموزش کمی کج‌سلیقگی به نظر بیاید. حتماً مدیر شرکتی که بحث بود و نبود شرکتش در میان است، خواهد گفت که در این شرایط آموزش را دیگر کجای این دل‌خجسته‌ام بگذارم! اما هم برای شرکت‌ها و هم برای افراد، آموزش می‌تواند یکی از راه‌های مقابله با بحران باشد. آموزش در چنین شرایطی به کمک شرکت می‌آید و به افراد می‌آموزد که نه تنها باید از حداکثر توان خود برای برون‌رفت از چنین شرایطی استفاده کنند، بلکه مدام محیط خود را برای یافتن امکانات تازه و چیزهایی که بتواند به دوام شرکت کمک کند، پوشش کنند. برای شرکت‌هایی که از توان مالی بهتری برخوردار هستند، چنین شرایطی که فشار کار در حداقل قرار دارد، فرصتی است که مهارت‌های تازه‌ای به کارکنان خود بیاموزند تا از آن‌ها هم برای گذران دوره فعلی کمک بگیرند و هم برای فردایی که شرایط عادی شد بتوانند به این مهارت‌ها تکیه کنند.

- تحقیق و توسعه:

جنس این مورد هم شبیه آموزش است و شرکت‌ها را به دانش یا بینشی تازه از شرایط موجود برای مقابله با بحران یا شرایط پس از آن مجهز می‌کند.

- شبکه‌های اجتماعی:

اما آخرین مورد شاید مهم‌ترین آن‌ها باشد. بسیاری از شرکت‌ها، حتی شرکت‌های مهم آی‌تی ما، از جریان ورود و استفاده از شبکه‌های اجتماعی عقب افتاده‌اند. شرکت‌های موفق در سایر کشورها، اغلب حضوری همه‌جانبه و شاداب

در نقاط مختلف دنیای سایبر به ویژه شبکه‌های اجتماعی دارند. آن‌ها نه تنها افراد مستعدی را برای تولید محتوای مناسب با کسب‌وکار خود برای شبکه‌های اجتماعی می‌گمارند، بلکه مدیران رده‌های مختلف آن‌ها شخصا در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر، لینکدین و ... حضور دارند و از این طریق نه تنها پیام‌های خود را به دیگران می‌رسانند، بلکه از بازخوردهای این پیام‌ها یا بازتاب فعالیت‌های شرکت خود در میان کاربران مطلع می‌شوند. متأسفانه من مدیران شرکت‌های مهم ایرانی را کمتر در شبکه‌های اجتماعی دیده‌ام. اغلب آن‌ها از کنار این امکان بسیار مهم و قوی به‌سادگی و به بهانه مشغله زیاد می‌گذرند. شاید اکنون توفیقی اجباری نصیب آن‌ها شده که نه تنها با این پدیده مهم دنیای امروز از نزدیک آشنا شدند، بلکه از آن برای پیشبرد هر چه بهتر کار خود بهره گیرند.

تضمین؟ می‌توان امیدوار بود، شرکت‌هایی که در شرایط فعلی سیاست‌هایی را که گفتم در پیش بگیرند یا حتی استراتژی‌های بهتری را برای خود ترسیم کنند، با خسارات کمتری از این بحران خارج شوند؛ اما هیچ تضمینی وجود ندارد.

نتیجه؟ تنها نکته مهم این است که آنچه در توان داریم انجام دهیم. نتیجه در کنترل ما نیست.

سرانجام: و سرانجام به قول آبرام مزلو: آنچه که مرا نگذشد، قوی‌ترم می‌کند.

تاریخ انتشار:

03 آبان 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/opinion/13412/%D8%A2%D9%86%DA%86%D9%87-%D9%85%D8%B1%D8%A7-%D9%86%DA%A9%D9%8F%D8%B4%D8%AF>